

725E

725  
E

نام :

نام خانوادگی:

محل امضاء :



جمهوری اسلامی ایران  
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
سازمان سنجش آموزش کشور

اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می شود.

امام خمینی (ره)

**آزمون دانش‌پذیری دوره‌های فراگیر «کارشناسی ارشد» دانشگاه پیام نور**

**رشته‌ی تاریخ - تاریخ ایران اسلامی (کد ۱۱۴)**

مدت پاسخگویی: ۱۲۰ دقیقه

تعداد سؤال: ۷۵

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	فلسفه تاریخ	۱۵	۱	۱۵
۲	نقد و بررسی تاریخ ایران از سقوط ساسانیان تا آغاز حکومت عباسی	۱۵	۱۶	۳۰
۳	زبان عربی (قرائت متون تاریخی به زبان عربی)	۱۵	۳۱	۴۵
۴	زبان خارجی (۱) با تکیه بر نثر و متون تاریخی	۳۰	۴۶	۷۵

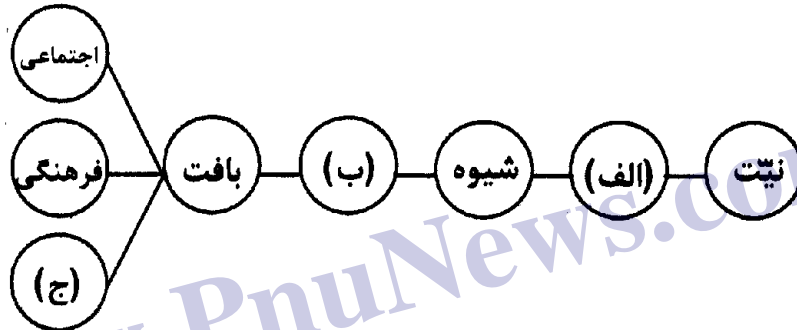
**آذر ماه سال ۱۳۹۱**

استفاده از ماشین حساب مجاز نمی‌باشد.

- ۱- کدام مورد از ویژگی‌های تاریخ‌گرایی نیست؟
- (۱) تضاد طبیعت و تاریخ  
(۲) لزوم مطالعه همه طبقات و ابعاد جامعه  
(۳) معیارهای دآوری کلی و جهانی‌اند و نه محلی و زمانمند  
(۴) تأکید بر و نیاز به درک و درون‌بینی به جای استدلال
- ۲- منظور از معرفت ..... معرفت به چیزی است که .....
- (۱) عمودی - قبل و بعد واقع شده است.  
(۲) عمودی - در همان زمان جریان داشته است.  
(۳) افقی - خارج از اراده قهرمانان تاریخ بوده است.  
(۴) افقی - در صورت وقوع آن، رابطه علی میان وقایع برقرار می‌شد.
- ۳- بیشتر آثار دانشگاهی تاریخ به دلیل ..... به شکل روایی نوشته نمی‌شوند.
- (۱) نقش تجربه خود جوش مورخان دانشگاهی در توصیف وقایع و رویدادها  
(۲) تمایل آن‌ها به بازسازی ذهنی وقایع تا توصیف عینی رویدادها  
(۳) توصیف و تبیین اوضاع و احوال اقتصادی و اجتماعی به عنوان عوامل علی رویدادها  
(۴) به کارگیری آن‌ها از سایر روش‌های علمی در دانش‌هایی چون جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و اقتصاد
- ۴- وفق نظریه قانون فراگیر می‌توان گفت که .....
- (۱) هر تبیینی به رویدادهای جزئی و خاصی توجه دارد.  
(۲) تبیین در تاریخ، ویژگی‌های خاص خودش را داراست.  
(۳) قانون اگر تنها یک مصداق داشته باشد، نمی‌تواند عام خوانده شود.  
(۴) تاریخ یکی از علوم تجربی مانند فیزیک، زیست‌شناسی یا جغرافیاست.
- ۵- کدام مورد از ویژگی‌های معرفت دسته دوم نیست؟
- (۱) جزئی، تجربی و غیرمستقیم است.  
(۲) بر بازنمایی بصری و کلامی استوار است.  
(۳) از بازنمایی ساختاری (نمودارها و جدول‌ها) سود می‌جوید.  
(۴) به دو دسته معرفت پیشینی و معرفت تجربی تقسیم می‌شود.
- ۶- وفق نظر پوپر نمی‌توان گفت که .....
- (۱) فرضیات همواره تعابیری ذهنی‌اند.  
(۲) تنها یک مشاهده کافی است که یک فرضیه ابطال شود.  
(۳) تعداد مشاهدات هر قدر هم فراوان باشد نمی‌تواند صدق یک فرضیه را اثبات کند.  
(۴) وظیفه دانشمندان این است که فرضیه‌ای کلی تنسیق کند و در جستجوی اثبات آن باشد.
- ۷- از نظر اوکشات .....
- (۱) تفسیر کاملاً جدا از شناسایی شواهد است.  
(۲) تثبیت کردن یک متن متضمن تفسیر است.  
(۳) تفسیر همان متن است ولی هر متنی تفسیر نیست.  
(۴) متن می‌تواند تفسیر باشد اما تفسیر نمی‌تواند با متن یکسان پنداشته شود.
- ۸- کدام مورد از ویژگی‌های رویکرد الگو محوری در تحقیقات تاریخی نیست؟
- (۱) یافتن الگوها در تاریخ خاص فلسفه تاریخ است.  
(۲) الگوهای مورخ معمولاً برای اهداف عملی بی‌فایده هستند.  
(۳) الگوها غالباً از یک روایت یا از یک توصیف بدست می‌آیند.  
(۴) یک الگوی تاریخی متضمن شباهت‌های کلامی و لفظی در شناسایی و تبیین رویدادهاست.

۹- این که تاریخ ایده‌نگار است به این معناست که .....

- (۱) تلاش می‌کند قوانین را بیابد یا وضع کند.
  - (۲) درصد فهم تفسیری کنش اجتماعی در طول زمان است.
  - (۳) تبیین بافت و زمینه وقوع رویدادهای تاریخی اصل است.
  - (۴) تاریخ در واقع کمی بیش از دفتر ثبت جنایت‌ها، حماقت‌ها و معایب نوع بشر است.
- ۱۰- نمودار زیر را با توجه به عناصر تحلیل کنش کامل کنید؟



- (۲) الف (پیامد)، ب (اراده)، ج (جمعیتی)
- (۴) الف (معنا)، ب (پیامد)، ج (اقتصادی)

- (۱) الف (ارزیابی)، ب (انگیزه)، ج (فیزیکی)
- (۳) الف (ذهنیت)، ب (معنا)، ج (سیاسی)

۱۱- کدام مورد از آرای برودل نیست؟

- (۱) تاریخ را می‌توان با توجه به سه زمان بازگو کرد: زمان جغرافیایی، زمان اجتماعی و زمان فردی
- (۲) گذشته واقعیت مفروضی نیست که بتواند از نظر تجربی و دریافت حسی درک شود.
- (۳) هیچ تمایز مهمی بین تاریخ و علوم اجتماعی وجود ندارد.
- (۴) رویدادها مسائل زودگذر تاریخ‌اند.

۱۲- خصیصه مشترک مورخان تاریخ سنجی این است که .....

- (۱) تنها از داده‌های مناسب برای تحلیل استفاده می‌کنند.
- (۲) بر ذهنیت‌گرایی و تفسیر بیش از اندازه تاکید دارند.
- (۳) روش‌های کمی و الگوهای رفتاری علوم اجتماعی را بر مطالعه تاریخ اطلاق می‌کنند.
- (۴) با الگوهای غیرضروری متشکل از داده‌های عینی، پیوستگی میان رویدادها را توضیح می‌دهند.

۱۳- کدام مورد از چهار قلمرو مهم در هنگامی که از علت پیشامدی سؤال می‌کنیم نیست؟

- (۱) قلمرو قصد و نیت
  - (۲) قلمرو طبیعت محض
  - (۳) قلمرو انسان در خدمت طبیعت
  - (۴) قلمرو جوامع انسانی با قوانین و قواعد اجتماعی
- ۱۴- تاریخ به مثابه ..... با آنچه که فلسفه ..... تاریخ خوانده می‌شود همخوانی دارد که در قرن ..... تفوق یافت.

- (۱) گزارش - محتوایی - هجدهم
- (۲) گزارش - تحلیلی - بیستم
- (۳) رویداد - انتقادی - هفدهم
- (۴) رویداد - نظری - نوزدهم

۱۵- آلفسون بر این باور نیست که .....

- (۱) تاریخ همواره قالب داستان دارد، هر چند که یک داستان نیست
- (۲) تاریخ مطابق با قواعد ادبی شناخته شده نگاشته می‌شود
- (۳) ساختار عقلانی فعل، ساختار روایت است
- (۴) قالب روایت در فعل است

- ۱۶- عوامل مؤثر در امنیت طرق و رونق تجارت در بین اعراب دوره جاهلی کدام است؟  
(۱) رسم حلف، مهمان نوازی  
(۲) روح دلاوری، دادرسی  
(۳) رسم خفیروحامی، رسم حمایت جار  
(۴) رسم مروت بدوی، نزدیکی به کانون‌های تمدن یمن و شام
- ۱۷- منظور از حی در نزد اعراب شبه جزیره چه بود؟  
(۱) همان رئیس قبیله است که دارای خرد، شجاعت و سخاوت باشد.  
(۲) چند چادر که ساکنانش پیوند خویشاوندی همخونی داشتند حی نامیده می‌شد.  
(۳) رسمی بود که اعراب بدوی هنگام رفتن پیش رئیس قبیله رعایت می‌کردند.  
(۴) به مقامی اطلاق می‌شد که توسط رئیس قبیله برای رسیدگی به انساب عرب تعیین می‌شد.
- ۱۸- منظور از «ملاء» در نزد اعراب مکه در دوره جاهلی چه بود؟  
(۱) مجمعی متشکل از رؤسا و شیوخ شهر بود که حکومت مکه را در دست داشت.  
(۲) محل و پناهگاه صعلوکان، خونیان و مطرودان عرب بود که در آن بست می‌نشستند.  
(۳) رسمی بود که طی آن شیوخ و رؤسا بر حسب تفاوت در ثروت و قدرت سوگند می‌خوردند.  
(۴) مجمعی متشکل از تجار و رباخواران شهر مکه بود که امور اقتصادی آن را در دست داشت.
- ۱۹- کدام گزینه درباره‌ی اعتقادات مسیلمه از اهل رده صحیح است؟  
(۱) ادعای پیغمبری، اصرار بر خمر و صوم، نفی صلاة  
(۲) نفی آمیزش با زنان، اصرار بر صوم، تأثیر از آیین نصارا  
(۳) به زهد و گوشه‌نشینی گرایش داشته، خمر را نهی و بر روزه پافشاری می‌کرد.  
(۴) سقط نماز از پیروان، بازگشت به ادیان و فرق گنوسی، لغو زکوة
- ۲۰- در کدام یک از کتاب‌های زیر آراء و عقاید اسماعیلیه آمده است؟  
(۱) الملل و النحل، تبصره العوام، وجه دین، کتاب الرياض  
(۲) اساس التاویل، مزاج التسنیم، راحة العقل، جامع الحکمتین  
(۳) بیان الادیان، شرایع الادیان، کتاب التمهید، کتاب الفصل  
(۴) هداية المؤمنین الطالبین، بهجة الصدور، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین
- ۲۱- در همه کتاب‌های زیر مطلبی درباره‌ی کرمان می‌توان یافت به جز:  
(۱) حقایق الاخبار (۲) عقد العلی للموقف الاعلی (۳) سمط العلی للحضرة العلیا (۴) المضاف الی بدایع الازمان
- ۲۲- کدام کتاب‌ها درباره‌ی امور اداری و مالی دوره‌ی اسلامی نگارش شده است؟  
(۱) سیاست‌نامه، چهار مقاله، فرج بعد الشدة  
(۲) دستور الکاتب، اغانی، خطط مقریزی  
(۳) آداب الحرب و الشجاعة، العقد الفرید، جوامع العلوم  
(۴) صبح الاعشی، التوسل الی التوسل و الاحکام سلطانیه
- ۲۳- کدام گزینه جزو آثار و منابع مزارات محسوب می‌شود؟  
(۱) کتاب قنديه (۲) جهان نامه  
(۳) الاعلاق النفیسه (۴) مرات البلدان
- ۲۴- کدام عبارت درباره‌ی عقاید مانی صحیح است؟  
(۱) تنویت را از مرقیون و اخلاق و سلوک را از مغتسله گرفته بود.  
(۲) نور و ظلمت در این عالم دارای قلمروهای مختلف بوده و باید از اختلاط آن دو جلوگیری کرد.  
(۳) او خود را رسول عیسی نور وفارقلیط موعود می‌خواند و از بودا و زرتشت به نیکی یاد می‌کرد.  
(۴) تورات و شریعت موسی را قبول داشته اما عیسی که در اورشلیم به دست یهود کشته شد را شیطان می‌خواند.

- ۲۵- جایگاه زروان نزد زروانیه چه بود؟  
(۱) عقل کل (۲) نور محض (۳) خدای واحد (۴) پدر خیر و شر
- ۲۶- منظور از اهل بیوتات دوره ساسانی چیست؟  
(۱) ناظران و مسئولان امور مالی دربار را می‌گفتند.  
(۲) ناظران کارگاه‌ها و کارخانجات شاهی را اهل بیوتات می‌گفتند.  
(۳) بزرگان خاندان‌های بزرگ که با خانواده سلطنتی خویشاوندی داشتند.  
(۴) اشراف و دارندگان املاک و دارایی بسیار که قدرت و حشمت زیادی به دست آورده بودند.
- ۲۷- منظور از «وستر یوشان» چیست؟  
(۱) کارکنان ادارات دولتی  
(۲) نگهبانان آتش و معابد زرتشتی  
(۳) طبقه پیشه‌وران در شهرها و کشاورزان در روستاها  
(۴) گروهی از آد미ان خارج از طبقات سه گانه ساسانی
- ۲۸- درباره‌ی روایات فتوح مکتب عراق می‌توان گفت که عراقیان بیشتر روایات خود را از .....  
(۱) بازماندگان مجاهدان اخذ کرده و رنگ دینی در آن‌ها بیشتر است.  
(۲) سیف بن عمر گرفته و در آن اغتشاش و غلو زیاد دیده می‌شود.  
(۳) شاهنامه‌های ساسانی گرفته و در آن رنگ حماسی زیاد است.  
(۴) خداینامه‌ها گرفته و در آن رنگ شعوبی دیده می‌شود.
- ۲۹- کدام‌یک از حلف‌های دوره جاهلی در دوره اسلامی به شدت طرد می‌شد؟  
(۱) ولاء استلحاق (۲) ولاء اصطناع (۳) ولاء مساخاة (۴) ولاء تحالف
- ۳۰- کدام گزینه‌ها درباره‌ی علت شکست ایرانیان در جنگ قادسیه نقش مهم‌تری داشت؟  
(۱) سبک باری سپاه عرب و روحیه جنگجویی آن‌ها  
(۲) اختلاف بین فرماندهان سپاه ایران با رستم بر سر شروع جنگ  
(۳) وجود تفکر و رفتار طبقاتی بین سپاه ایرانی و تفکر برابری در سپاه عرب  
(۴) اختلاف بین شاهنشاه و رستم فرمانده سپاه، تحقیر سپاه عرب توسط ایرانیان

## ■ ■ عین الأصح و الأدق في الجواب للترجمة أو التعريب أو المفهوم ( ۳۱ - ۴۳ )

- ۳۱- « لقد شاع نعيه في المدينة و عرف على ذلك ابنه أيضاً، و كان قد ستر عنه خوفاً من توانيه في الحرب! »:
- (۱) خبر مرگ او در شهر پیچید و پسرش نیز بر این امر مطلع شد در حالی که از بیم سست شدن او در جنگ، این خبر از وی پنهان داشته شده بود!
  - (۲) برآستی که خبر مرگ او را در شهر شایع کردند و فرزندش که از این حادثه بی خبر بود، خبردار گشت ولی منجر به سستی و کاهلی او در جنگ نشد!
  - (۳) اینگونه بود که وقتی خبر مرگ او در شهر شایع شد، فرزند وی نیز از این حادثه با خبر شد، با اینکه آن را از او پنهان می کردند تا در جنگ سستی نکند!
  - (۴) چون شایعه قتل وی در شهر پیچید، فرزندش نیز آگاه شد، این در حالی بود که این خبر به خاطر دور نگه داشتن او از کاهلی در جنگ از او پوشیده شده بود!
- ۳۲- « عندما ملك عظمته الملوك و هابته لما كان من حينته في الطلب بئار خاله، حتى أدركه في النهاية و طال ملكه نيافاً و ستين سنة! »:
- (۱) هنگام حکومت وی فرار رسید و پادشاهان وقت بسیار از او در هراس بودند، چون درصدد گرفتن انتقام از قتل خال خود بود و در این کار نیز موفق شد. و در نهایت دوره حکومت او فقط کمی بیش از شصت سال بود!
  - (۲) هنگامی که پادشاه شد پادشاهان او را بزرگ داشتند و از او ترس داشتند به خاطر این که در فکر خونخواهی خال خود بود، سرانجام این کار را انجام داد. و پادشاهی او شصت سال و اندی به طول انجامید!
  - (۳) چون به پادشاهی رسید، پادشاهان او را بزرگ داشتند و هیبتش آن ها را فراگرفت، زیرا در انتقام جویی از دایی اش حيله ای بکار بست. سرانجام پادشاهی او تا حدود شصت سال ادامه داشت!
  - (۴) چون به سلطنت رسید، پادشاهان همگی از عظمت او می ترسیدند، بخاطر حيله اش در خونخواهی دایی اش، و در نهایت انتقام او را گرفت و شصت سال و اندی نیز حکومت کرد!
- ۳۳- « تقع قرية قرب مدينتنا فيها سوق عظيمة تقوم في كل شهر مرة، يأتي إليها التجار من كل البلدان، إن قدرت على غارة تلك السوق أصبت أموالاً رغبة! »:
- (۱) نزدیک شهر ما روستایی قرار گرفته که در آن ماهی یکبار بازار بزرگ از سرمایه های تاجران همه شهرها برپا می گردد، اگر بتوانی این بازار بزرگ را غارت کنی، حتماً کالاهایی گرانبها به دستت می رسد!
  - (۲) بازار بزرگ شهر ما، ماهی یکبار در روستایی نزدیک شهر برگزار می گردد، و تاجران همه شهرها در آن شرکت می کنند، اگر یک روز کسی آنجا را غارت کند، تمام آن کالاها به تاراج خواهد رفت!
  - (۳) در نزدیکی شهر ما روستایی است که بازاری بزرگ دارد که ماهی یکبار برپا می شود و تاجران از همه شهرها به آنجا می آیند، اگر بتوانی آن بازار را غارت کنی بر اموالی دلخواه دسترسی می یابی!
  - (۴) روستایی که در نزدیکی شهر ماست بازاری بزرگ دارد که ماهی یکبار برگزار می شود و تاجران همه شهرها به آنجا می آیند، اگر در غارت آن بازار موفق شوی، به اموال دلخواه خود می رسی!

۳۴- « طلب أبو موسى أن يوجه معه نفر من الأتصار، فكان يعتقد أن مثل الأتصار في الناس كمثل الملح في الطعام، فوجه إليه عشرة منهم!»:

- ۱) ابوموسی خواسته بود که فردی از انصار با او راهی شود، چه گمان او این بود که انصار در بین مردم چون نمکند در غذا، در نتیجه حدود ده تن از آنها را بسوی خود فراخواند!
- ۲) ابوموسی خواست که نفراتی از انصار نزد او بیایند، اعتقاد او چنین بود که انصار مثل نمک غذا هستند که حتماً باید حضور داشته باشند، پس ده تن از آنها را بسوی او فرستادند!
- ۳) درخواست ابوموسی این بود که از بین انصار، یک نفر با او برود، چون گمان می‌کرد که در بین مردم انصار فقط مثل نمک غذا هستند، بنابراین ده نفر از آنها را با خود همراه کرد!
- ۴) ابوموسی درخواست کرد که همراه او تعدادی از انصار گسیل شوند، چون معتقد بود که موقعیت انصار در بین مردم مثل نمک در غذاست، پس ده نفر از آنها همراه او فرستاده شدند!

۳۵- « الآن و أنا أحرقت سفنكم، إن أطاق أحدكم على أن يركب البحر بلا مركب فليعبر! إلا أنكم إن ظفرتم لم تعدموا أمثالها!»:

- ۱) اکنون که من کشتیهایتان را آتش زدم، اگر کسی از شما می‌تواند بدون کشتی به دریا بزند، عبور کند! اما اگر پیروز شوید امثال آن کشتیها را از دست نخواهید داد!
- ۲) هم اکنون تمام کشتیهایتان را آتش می‌زنم که دیگر نتوانید از دریا بگذرید و از جنگ بگریزید! که اگر پیروز میدان شدید به غنائمی مانند آنها خواهید رسید!
- ۳) حال کشتیهایتان را آتش می‌زنم و پس از آن اگر کسی توانست بدون وسیله از دریا بگذرد عبور کند! ولی شما اگر پیروز شدید، مانند آنها را خواهید داشت!
- ۴) حال که همه کشتیها آتش گرفته، اگر کسی می‌تواند بدون کشتی از دریا عبور کند، بکند! که شما اگر پیروز شوید، مانند آنها برایتان وجود دارد!

۳۶- « اجتمع رأي أشياخ القوم بعد موت أبيه على بيعته، فعقدوا له الولاية و دعوه أمير المؤمنين، فهو قام بتمشية الأمور أحسن قيام!»:

- ۱) بعد از مرگ پدرش رأی شیوخ قوم بر بیعت با او قرار گرفت، پس ولایت او را پذیرفتند و وی را امیرالمؤمنین خطاب کردند، پس او به بهترین شکل به تمشیت امور پرداخت!
- ۲) پس از مرگ پدر، همه بزرگان قوم اتفاق نظر داشتند که باید با او بیعت شود، پس ولایت را برای او قطعی دانستند، و او را رها نکردند، او هم به بهترین وجه به اداره کارها پرداخت!
- ۳) بعد از وفات پدرش، نظر همه بزرگان قبیله این بود که او به ولایت برسد، پس حکم بیعت او را امضا کردند و امیرالمؤمنین را فراخواندند، او هم امور خود را به وجه احسن انجام داد!
- ۴) کمی بعد از وفات پدر، افراد قبیله به حکومت او رأی دادند و با او بیعت کردند، پس همگی حکم ولایتش را حتمی دانستند، و او را در سمت امیرمؤمنان قرار دادند، پس وی به بهترین شکل حکومت کرد!

۳۷- « شهدت منزلاً ضربت الأوتاد على بابهِ فبلغني أنّ ذلك الباب لم يفلق منذ زيادة على مائة سنة و لما يمنع من نزوله طارق!»:

- (۱) منزلی را مشاهده کردم که روی آن میخهایی کوبیده بودند، پس خبردار شدم که درب این خانه صدسال است که بسته نشده و از فرود آمدن هیچ مهمانی در آنجا ممانعت بعمل نمی‌آورند!
- (۲) خانه‌ای دیدم که روی درش میخهایی کوفته بودند، پس دانستم که آن درب سالهاست که بازمانده و هیچ‌کس نیست که آن درب را بکوبد و او را از فرود آمدن در آنجا منع کنند!
- (۳) خانه‌ای دیدم که بر درش میخهایی کوبیده شده بود، پس فهمیدم که آن درب بیش از یکصد سال است که باز مانده، و هیچ مهمانی نیست که نتواند در آنجا اقامت کند!
- (۴) منزلی را دیدم که بر درش میخها زده بودند، و مطلع شدم که آن درب بیش از یکصد سال است که بسته نشده و هنوز هیچ کوبنده‌ی دری از اقامت در آنجا منع نمی‌شود!

۳۸- « في الجامع حاصل كبير ملآن من أنية الذهب و الفضة، و به صومعة عجيبة فيها من أنواع الصنائع الدقيقة ما يعجز الواصف عن وصفها!»:

- (۱) یک انبار بزرگ که از ظرفهای طلائی و نقره‌ای است داخل مسجد جامع قرار دارد، و کنار آن صومعه‌ی عجیبی است با صنعتهای ظریف که زبان از وصف آن ناتوان است!
- (۲) در مسجد جامع مخزنی بزرگ است مملو از ظرفهای طلا و نقره، و دارای صومعه‌ای عجیب است که در آن انواع صنایع ظریف بکار رفته که توصیف‌کننده از وصف آن عاجز می‌ماند!
- (۳) مخزن بزرگی که داخل مسجد جامع است پر است از ظرفهای طلائی و نقره‌ای، و در حاشیه آن صومعه‌ی بزرگی هست که صنعتهای دقیق آن چشم توصیف‌گر را از شرح زیبایی‌اش ناتوان می‌کند!
- (۴) در این مسجد جامع انباری بزرگ مملو از ظرفهای طلا و نقره تعبیه شده، و در حاشیه آن صومعه‌ای عجیب وجود دارد که دارای صنایع دقیقی است که هر توصیف‌کننده‌ای از توصیف زیبایی آن عاجز است!

۳۹- « أرسل الفاطميون دعاة إلى خراسان كانوا ناجحين في إقناع بعض الأمراء، و نجم عن صراع قبول هذا المذهب أو رفضه أن أخذ لفيف من الناس يستمع إلى الدعاة!»:

- (۱) فاطمیون داعیانی را به خراسان فرستادند که در قانع کردن بعضی امرا موفق بودند، و در نتیجه درگیری بین قبول یا ردّ این مذهب عدّه زیادی از مردم به گوش کردن سخنان داعیان پرداختند!
- (۲) فاطمیها داعاتی را از خراسان برگزیدند که در قانع کردن بعضی امیران موفق بودند، و کشمکش موجود در این مذهب بین قبول یا ردّ آن سبب شد که جمعی از مردم سخنان داعیان را قبول کنند!
- (۳) فاطمیون رهبران خود را به خراسان فرستادند، آنها توانستند بعضی از حاکمان را قانع کنند، در این بین مخالفان یا موافقان این مذهب این انگیزه را در بین مردم ایجاد کردند که به سخن این رهبران گرایش یافتند!
- (۴) فاطمیها دعوت‌کنندگان خود را به خراسان فرستادند و در قانع کردن بعضی پادشاهان موفق بودند، درگیری موجود بین پذیرفتن یا ردّ این مذهب باعث شد که تعداد کمی از مردم سخنان این دعوت‌کنندگان را پذیرفتند!



## ۴۱- عین الخطأ في المفهوم:

- ۱) عسی أن لا یعدمکم منه رأياً و نصحاً!؛ امید است که هیچ نظر و نصیحتی را از او دریغ نکنید!
  - ۲) کانت وفاته من حمی و أنه وُجد میتاً في فراشه!؛ وفات او بخاطر تب بود و او را در بسترش مرده یافتند!
  - ۳) ارتحل إلى بغداد و كان فیها ملازماً لأستاذة مدّة!؛ به بغداد کوچ کرد و در آنجا مدتی ملازم استاد خود بود!
  - ۴) فکان أول قتل، فأخذ الراية أخوه الحكم!؛ پس اولین مقتول، خود او بود و رایت را به برادرش که حکیم بود، داد!
- ۴۱- « لیس فی الدنيا إقليم أو ناحية إلا و قد قحط أهله مراراً قبل أن یقحط ماوراء النهر! ».

## عین الخطأ في المفهوم:

- ۱) ما وراء النهر لا یقحط إلا قليلاً جداً!
  - ۲) سائر نواحي الدنيا تقحط أكثر من ما وراء النهر!
  - ۳) لما قحطت أقالیم الدنيا مراراً، قحط ما وراء النهر مرّة واحدة!
  - ۴) قد قحطت الدنيا، أقالیمها و نواحیها و لكن ما وراء النهر لم یقحط أبداً!
- ۴۲- « سرانجام، پیامبر (ص) تصمیم به خارج شدن گرفت، پس همراه یکی از صحابه از روزنه کوچکی که پشت خانه وی بود شبانه به سمت غاری که در کوه ثور قرار داشت حرکت کرد! »:

- ۱) فی النهاية، عزم الرسول (ص) علی الذّهاب، فخرج معه صحابیّ من خوخة فی ظهر بیته و انطلقا إلى غار جبیل ثور لیلاً!
- ۲) فی الأخير أجمع الرسول (ص) الخروج، فانبری مع أحد الصحابة من خوخة کانت فی ظهر بیته إلى غار یقع فی جبل ثور!
- ۳) قرّر الرسول (ص) علی الخروج، فخرج مع صحابیّ من خوخة صغيرة تقع ظهر البيت و فی لیلة ظلماء ذهباً کلاهما إلى غار یقع فی جبل ثور!
- ۴) صمّم الرسول (ص) علی أن یخرج أخيراً، فانطلق معه أحد الصحابة و خرجا منتصف اللیل من خوخة کانت فی ظهر بیته إلى جبل ثور فی غار!

## ۴۳- « کتاب خود را به پنج باب و هشت جزء تقسیم کرد، و در آن به وصف وضع کشورها و سرزمینها و دریاها و کوهها در اقالیم سبعة پرداخت! »:

- ۱) بوّب کتابه فی خمسة أبواب و ثمانية أجزاء، قام فیہ بوصف أحوال البلاد و الأرضین و البحار و الجبال فی الأقالیم السبعة!
- ۲) قسم کتابه إلى خمس أبواب و ثمانية أجزاء، قد وصف فیہ وضع البلدان و الأراضي و البحار و الجبال فی الأقالیم السبعة!
- ۳) قد قسم الكتاب إلى خمس أبواب و ثمانی أجزاء، بادر بوصف الأقالیم السبع و أحوال بلادها و أراضيها و ما فیها من البحار و الجبال!
- ۴) قد بوّب الكتاب فی خمسة أبواب و ثمانية أجزاء، و أخذ یصف فیها الأقالیم السبع و ما فیها من أحوال البلاد و الأرضین و البحار و الجبال!

## ■ ■ عین الصحيح في التشكيل ( ٤٤ و ٤٥ )

٤٤ - « اخذ الله على أبصارهم عنه فلا يرونه، فجعل ينثر ذلك التراب على رؤوسهم و هو يتلو هؤلاء الآيات»:

(١) أَخَذَ - يَنْثُرُ - يَتْلُو - الآياتِ

(٢) أَبْصَارِ - يَرُونَ - التُّرَابِ - رُؤُوسِ

(٣) اللهُ - يَرُونَهُ - يَتْلُو - هؤلاءِ

(٤) جَعَلَ - يَنْثُرُ - رُؤُوسِهِمْ - هؤلاءِ

٤٥ - « هذه البحيرة ماؤها ملح و طولها سنة و مائة ميل و بها مصايد للسماك و حولها قرى كثيرة! »:

(١) الْبَحِيرَةُ - مِلْحٍ - سَنَةً - مِائَةً

(٢) مَاؤُهَا - سَنَةً - مَصَابِدُ - قُرَى

(٣) مَاءٌ - مِلْحٌ - مِيلٌ - مَصَابِدُ

(٤) طُولُهَا - مَصَابِدُ - السَّمَكِ - حَوْلُهَا

## PART A: Vocabulary

**Directions:** Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the answer on your answer sheet.

- 46- The Prime Minister is now firmly ----- in Downing Street with a large majority.  
1) served                      2) continued                      3) ensconced                      4) murdered
- 47- He was looking ----- nervous before his interview this morning.  
1) distinctly                      2) peacefully                      3) inevitably                      4) eventually
- 48- Their forces ----- five hours after the Allied bombardment of the city began.  
1) described                      2) promised                      3) mentioned                      4) capitulated
- 49- As a waiter you want to be pleasant to people and tend to their needs without appearing totally -----.  
1) coastal                      2) servile                      3) historic                      4) ancestral
- 50- Employers are increasingly ----- by the poor literacy of some young job applicants.  
1) acquired                      2) divided                      3) exasperated                      4) fragmented
- 51- Their own small estate was ----- by the Tsar for the family's part in the uprising.  
1) relieved                      2) opposed                      3) recognized                      4) sequestered
- 52- They played well but missed out on the ----- of a victory over their Spanish opponents.  
1) stimulus                      2) exaltation                      3) expedition                      4) succession
- 53- The people who were hurt in the accident were taken to the only hospital in the immediate -----.  
1) vicinity                      2) policy                      3) century                      4) combination
- 54- He has spent the past three months in Florida, ----- for medical treatment, but in actual fact to avoid prosecution.  
1) quickly                      2) terminally                      3) ostensibly                      4) undeniably
- 55- They are strengthening their army with a large ----- of voluntary soldiers.  
1) episode                      2) evidence                      3) governor                      4) contingent

## PART B: Cloze Test

**Directions:** Read the following passage and decide which choice (1), (2), (3), or (4) best fits each space. Then mark the correct choice on your answer sheet.

In the early part of the 5th/11th century the administration of Transoxiana reverted to a pattern resembling (56) ----- had prevailed on the eve of the Muslim conquests: small city-states were scattered along the Zarafshan, and middle Syr Darya was under the general supervision of Qarakhanid princes. With this trend towards regionalism, the landed aristocracy (57) ----- a resurgence of power. The dihqan of Ilaq, on the north of the Syr Darya, began (58) ----- the first time to mint his own coins. The general weight and expense of administration, decreased. A continuator of Narshakhi, the historian of Bukhara, records that the land tax of Bukhara and its environs (59) ----- everywhere lightened after the fall of the Samanids, in part because irrigation works were neglected and land became water-logged and unproductive. Hence after the disappearance of the Samanid amirs, with their (60) ----- administrative policy and their standing army, Transoxiana was ill-prepared to meet fresh waves of invaders from the steppes.

- |     |                 |                   |               |                 |
|-----|-----------------|-------------------|---------------|-----------------|
| 56- | 1) that         | 2) which          | 3) that which | 4) which that   |
| 57- | 1) enjoyed      | 2) to enjoy       | 3) enjoying   | 4) was to enjoy |
| 58- | 1) at           | 2) for            | 3) with       | 4) from         |
| 59- | 1) was          | 2) were           | 3) are        | 4) have         |
| 60- | 1) centralizing | 2) centralization | 3) centraling | 4) center       |

## PART C: Reading Comprehension

**Directions:** Read the following passage and answer the questions by choosing the best choice (1), (2), (3), or (4). Then mark the correct choice on your answer sheet.

### Passage 1:

Nadir was already in the service of Baba Ali, the governor of Abivard. He had been into the Chapshalu district to bury his father and uncle Babur. On his return to wards Abivard, he and his party stopped by a spring. While they were asleep a group of Yamut Turkmens, the plague of Astarabad further to the west, surprised them. This time Nadir and his companions were captured, but one of them escaped to reach Baba Ali with the bad news. Baba Ali Beg set out with a small force on a two-day pursuit which was unsuccessful, but one night Nadir, whom Baba Ali would have had to ransom from enslavement, prayed for release. His fetters fell away like cobwebs. He liberated his friends and surprised his captors, whose loot he brought back to Abivard. It is not difficult to see how allegations that Nadir also was sometimes a robber might arise; but the tale about the fetters falling off like cobwebs deserves further comment.

It may hide a significant fact that Nadir, until very near the end, and except at certain major turning-points in his career, was nearly always a temporiser, by no means contemptuous of diplomacy. His passion for collecting and hoarding manpower made him more often than not conciliatory towards defeated enemies, particularly when they paid up, and provided that he had no longstanding grievance against them. He seldom failed to enlist large numbers of the vanquished into his service, in order to create the army whose final unwieldiness helped to break him and ruin Iran. The fact which the legend may conceal is that the fetters did not fall off as the result of prayers to the Almighty, but following some nocturnal parley between Nadir and his gaolers, during which he may have promised them a share in future enterprises. They were, after all, of his own tongue; but this would not be a version of the story Kazim needed to expose. His readers could draw their own conclusions.

- 61- The word "surprised" in the first paragraph is closest in meaning to -----.
- 1) shocked                      2) attacked                      3) frightened                      4) intimidated
- 62- According to the passage what happened to Nadir and his friends after their enslavement?
- 1) He released himself from the cobweb.  
2) He and his friends were released by a cobweb.  
3) He freed his friends and defeated the Turkmens.  
4) He gave the loot to the captors and was released.
- 63- According to the reading passage, it can be inferred that Nadir -----.
- 1) was diplomatically questionable  
2) was passionate about saving money  
3) was by no means interested in looting  
4) was slow in making decisions to gain advantage of time

- 64- **What is the truth about the fetters?**
- 1) Nadir himself fell them apart.
  - 2) Nadir's promises made them fall apart.
  - 3) Nadir's prayers made them fall apart.
  - 4) The Almighty helped Nadir to remove the fetters.
- 65- **Why does the author mention Kazim in the last paragraph?**
- 1) To support a self-evident conclusion.
  - 2) To show that Nadir was influential in history.
  - 3) To mention a supporter of Nadir's ideas.
  - 4) To mention a historian who lived at Nadir's time.

### Passage 2:

The Chaznavid sultans alternated between attempts at conciliation and punitive expeditions. They tried to enrol the Saljuq leaders as frontier guards against further Turkmen inroads, giving them each in 426/1035 the title Dibqan and the insignia and dress of a governor, and they even offered marriage alliances to Toghril, Chaghri, and Musa Yabghu. But it was soon obvious that the Saljuqs, being nomads, were unfamiliar with the concepts of defined frontiers and the sanctity of landed property. During the period 426-31/1035-40 large Ghaznavid armies were almost continually in the field against the Turkmen. The sultan blamed his Turkish ghulam commanders for pusillanimity and incompetence, even accusing them of collusion with the Saljuqs. The Ghaznavid armies were better led, better armed, and probably numerically superior to the poorly armed, half-starved nomad bands, and at first glance the advantages were all on one side. Yet though the sultan's forces scored some successes in pitched battles, they were never able to follow them up. The nomads had a clear advantage in mobility. They were unhampered by the elephants, siege machinery, and camp-following without which no Ghaznavid army could move; they were more hardened to the extremes of climate, the lack of water, and the famine conditions then prevailing in Khurasan; and they did not have to operate, as did the Ghaznavid armies, from fixed bases.

Meanwhile, the position of the Khurasanian towns became perilous. There was little danger that the Saljuqs would storm them directly, for the nomads were unequipped for siege warfare and fought shy of it. The great cities surrendered voluntarily to them: Marv in 428/1037 and Herat and Nishapur in 429/1038 (this last was recovered by the sultan's forces and not lost again till 431/1039). In each case the notables and landowners took the initiative in making peace, having despaired of receiving adequate protection from the sultan in Ghazna, who only latterly came to Khurasan to lead his armies. Economic and commercial life was at a standstill. The 8th/15th-century historian Mirkhwand describes the distressed state of the Nishapur area thus: "That region became ruinous, like the disheveled tresses of the fair ones or the eyes of the loved ones, and it became devastated by the pasturing of flocks."

- 66- **What does the author mean by the first sentence of the reading?**
- 1) The Ghaznavids had the alternatives of pacification and war.
  - 2) The Ghaznavid sultans changed attempts from conciliation to punitive attempts.
  - 3) The Ghaznavid kings were sometimes conciliatory and sometimes punishing.
  - 4) The Ghaznavid sultans had alternative expeditions in their attempts.
- 67- **The word "insignia" in the first paragraph is closest in meaning to -----.**
- 1) badge
  - 2) tools
  - 3) shelter
  - 4) weapons

- 68- Which of the following is true about the Saljuqs?
- 1) They did not know what frontier is theirs.
  - 2) They were always loyal the Ghaznavids.
  - 3) They were of noble origin compared to the Ghaznavids.
  - 4) They were ignorant of the inviolability of the rights given to them.
- 69- Why were the nomads superior to the Ghaznavid armies?
- 1) They were better managed.
  - 2) They outnumbered the Ghaznavids.
  - 3) They operated their armies from stationary bases.
  - 4) They were better at the ability to move freely.
- 70- Why did the landowners try to make peace?
- 1) Because they were not hopeful about the Ghaznavids.
  - 2) Because they were opposed to the Ghaznavids.
  - 3) Because business was slow and at a standstill.
  - 4) Because they were worried about their business.

### Passage 3:

Masud continued to act irresponsibly in Iran. When Ray had first been conquered there had been some sympathy for the Ghaznavids, for they delivered the people from the Shii Buyids and their turbulent soldiery. But the exactions of the Ghaznavid officials soon alienated all support: "Tash Farrash [the Ghaznavid military governor] had filled the land with injustice and tyranny, until the people prayed for deliverance from them [the Ghaznavids] and their rule. The land became ruined and the population dispersed." This policy of Raubwirtschaft prevented the growth of any bond of sympathy or feelings of interdependence between the sultan and his Iranian subjects. Loyalty and patriotism as we know them had no meaning in the Islamic world at this time, as can be seen in Mahmud's words to the people of Balkh after the Qarakhanid invasion of 397-8/1006-8: he reproached them for putting up a spirited defence against the besiegers, because some of the sultan's personal property had been destroyed in the fighting. On their side, the attitude of the merchants and landowners of Khurasan was purely pragmatic; they tolerated Ghaznavid rule as long as it could secure the external defence of the province. In Mas'ud's reign it became clear that the Ghaznavids could not provide this protection, so there was no reason for the Khurasanian cities to retain any further loyalty to them. Even as early as 397/1006, a considerable number of the dihqans and notables had inclined towards the Qarakhanid invaders.

The Ghaznavids failed, therefore, to identify themselves with the historic interests of Khurasan, that is, with the securing of internal prosperity, an atmosphere in which commerce and agriculture could flourish, and with the preservation of the north-eastern frontier against external invaders from Central Asia. In both spheres their achievements fell short of those of earlier, Iranian rulers of the province, such as the Samanids. The racially Turkish Ghaznavids adopted the government's traditional institutions and practices, encouraged Iranian culture, and held court with the magnificence of Iranian monarchs.

- 71- Why did people feel pity for the Ghaznavids after Ray was captured?
- 1) Because the Ghaznavids helped their soldiers.
  - 2) Because the Ghaznavids moved people to Ray.
  - 3) Because Masud did not rule Ray responsibly.
  - 4) Because the Ghaznavids had saved them from the Buyids.



- 72- People stopped their support of the Ghaznavids for all of the following except -----.
- 1) The Raubwirtschaft policy  
2) Ghaznavids' dispersion of people  
3) Ghaznavid officials' misbehavior  
4) Ghaznavids' cruelty and injustice
- 73- The word "reproached" in the first paragraph is closest in meaning to -----.
- 1) praised  
2) addressed  
3) criticized  
4) approached
- 74- What does the author imply about merchants and landowners of Khurasan?
- 1) They were supportive of Masud.  
2) They were inclined more to external forces.  
3) They were more notable than the Ghaznavid kings.  
4) They were wise and realistic in dealing with the situation.
- 75- The word "their" in the last paragraph refers to -----.
- 1) spheres  
2) the Ghaznavids  
3) external invaders  
4) commerce and agriculture